

از هر مرد و استراحت در گوشه مسجد نیست. اعتکاف به معنای فرار از هر مسلمانانه در هر سال، یک نوبت یا توجه به اعمال خویش، باید عطفی را در آن به فکر و محاسبه بپردازد. بعد از کسانی که به این قصد راهی مسجد می‌شوند، غافل باشند. اما اگر بخواد به یک مسافرت زمینی روزها یا یک ماهه، در راه هر امری آن فکر می‌کنید: درمورد وسیله و ایاب و ذهاب، توشه، راه، محل اقامت، سردی و گرمی او... در صورتی که اعتکاف به معنای یک سفر درونی، مشکل و سر نوشت ساز است.

[illegible]

ادعیه و اذکار

عبارت است از اینکه بنده خدا با خواندن پروردگارش، عنایت پروردگار را در حق خود جلب کند و این است که خود را در مقام عبودیت و مملوکیّت قرار دهد. به همین دلیل عبادت در حقیقت دعاست؛ چون بنده در حال عبادت، خود را در مقام و اتصال به ملای خویش قرار می‌دهد و اعلام بندگی و اقرار به مملوکیّت خود می‌کند تا نظر لطف خداوند را بر مقام پریشانی به خود معطوف سازد. دعا به عنایت به همین معناست.

یک فرد معتکف و مؤمن باید در طول اعتکاف علاوه بر اینکه به عبادت خدای پرداختد، از محیط و محل اعتکاف نیز مراقبت کند تا نظافت رعایت شود؛ زیرا رعایت نظافت هم جزئی از ایمان است (النظافته من الایمان).

زمان صرف افطار بعد از نماز مغرب و عشا را به گونه ای برنامه ریزی کنید که به صورت گروهی باشد تا خداوند صفا و صمیمیت خاص به جمع معتكفان ببخشد. همچنین سحری به صورت گروهی صرف شود؛ زیرا این عمل، همدل را افزایش می دهد.

عبادات روزانه خود را مدوامی کنید. همان طور که می‌دانید، یکی از اصول موفقیت انسان، داشتن برنامه است و نظریه‌هایی که بدون برنامه‌ریزی انجام نمی‌توان آن‌ها را به‌کار بست، استفاده را کرد و تهیه یک جدول روزانه که دربرگیرنده همه برنامه‌های یک اعتکاف کامل باشد، می‌تواند بر غنای آن بیفزاید.

تفکر در قن بسیار توصیه شده است. برای بهره‌گیری بیشتر از فیوض این ایام شریف، بایسته است که شخص معتكف حتی المقدور چند دقیقه از برنامه‌های روزانه خود را به خلوت و تنهایی اختصاص بدهد. خلوت کردن به معنای عزت‌گزینی نیست، بلکه به معنای غور در خویش است.

هدف از اعتکاف، خلاص شدن و به سوی خدا گام برداشتن است. غیبت جزو گناهانی است که اعمال صالح را از بین می برد. اگر خدای نکرده غیبت کنیم، باعث می شود مجرم باشیم و سستی را که با انجام اعتکاف برای خودسازی متحمل می شویم، به راحتی از دست بدهیم و خسران دنیوا و آخره^۱ شویم. همچنین در این ایام باید به یاد داشته باشیم که در این ایام غیبت کنیم.

اعکاف، بهترین تمرین است برای بازشدن خویشتن و نزدیک‌ترین راه است برای حرکت در مسیر الی... و کرد و دوایره در جاده اصلی خویشتنی و انحراف‌های به وجود آمده در مسیر زندگی دوری کرد و دوباره در جاده اصلی خویشتنی و انحراف‌ها ادامه می‌دهد. اگر ماتائونیم از این فرصت در ایام معنوی اعکاف، استفاده بیشتری نکنیم، مرتکب ضرر بزرگ شده‌ایم. چه خوب است که شخص معتقد بعد از نیت از زمان گذشته خویشتن بوعید کند، ولو اینکه معصیت کمی داشته باشد و عهد کند که در روزمان عکاف بعد از آن، دنبال معصیت و حتی گناه کوچک نرود و بنده‌ای صالح و پرهیزکار باشد.

شوخی و خنده اگر از حد بگذرد، باعث ایجاد کدورت و رنجش دوستان می‌شود. سعی کنیم برای نهایت استفاده از فضای معنوی اعتکاف، از شوخی و مزاح بپرهیزد. وسوسه‌ها و غریزهای جنسی، سرانجام بسیاری از شوخی‌ها تامل‌سخر و غیبت است. پس چه بهتر که از همان ابتدا ورود آن به محافل دوستانه جلوگیری کنیم. مباحش و مسائل مربوط به عبادت، جای برای شوخی نبوده باقی نمی‌ماند.

شخص معتکف پس از سه روز به جای آوردن اعمال اعتکاف، باید به ارزشیابی و سنجش اعمال و افعال خویش در این مدت بپردازد تا بفهمد این ایام چه میزان توانسته است بر روحیات و منش او تأثیرگذار باشد.

قرآن، فتاحیج، صحیفه سجاده، تسبیح و مهر تربت، یک پتو بالاش سبک، وسایل شخصی مثل حوله، مسواک، نخ و سوزن، شبقاق و قاشق و لیوان، ناخن گیر، جفیه، شیک دستمال اشک، دفتر یادداشت برنامه ها و گناه ها و تصمیم ها، یک دست لباس اضافی، یک کت و شلوار و میوه و نان شیرین و خرما... این ها وسایل لازم برای اعکاف است؛ چون سه روز روزه از همه چیز و همه مردم، وسایل آن چنانی نمی خواهد.

سیزدهم رجب سال سی ام عام الفیل، زنی آبستن که ادمن عباى او روى زمین کشیده می شود، دستش به دیوار گرفته است و از درد به خود می پیچد. ادمن را می توان از حالت رها رفتن او دانستی. در یک برگر میگردانیم. متوجه شد، شاید با خود می اندیشد «با این درد شدید به خانه نرسیده، نوآدمم به دنیا می آید». فاطمه بنت اسد به کعبه پناه می برد، دیوار شکافته می شود و سه روز و نیم از خانه خدا می شود تا نوآدم خود را به دنیا بدهد. کند. در آن شب، محمد (ص) چنین می شنود که: «یا محمد! خداوند به تو سلام می رساند و به تو تهنیتی می گوید به ولادت علی بن ابی طالب. ...» (روضة الواعظین ص ۸۱)

شیخ مکه گرفتار شده است؛ گرفتار خشک سالی و فقر آن، ابوبطال با و نود چندسر علانۀ او پس از آنکه زندگیش برنمی آید، زندگی بسیاری چون او فلاح شده است. محمد^(ص) با هموهای خود پیشنها داد که نزد سیرسی رفتند عمو را با پهلود او بعد از مدت درو شدند. ابوبطال می پذیرد. هر یک به خانه عمومی می روند و علی^(ع) برای سرعوضی خود می ماند؛ آن گونه که محمد^(ص) فرمود: «خدا، علی را برای من می خواست»؛ علی^(ع) درباره سال های همراه با محمد^(ص) می فریاد: «موقعی که من در سال بومدم، همچون پهلای که به دنبال مادرش می رود، همه جا همراه او می رفتم، هر روز یکی از فضائل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد».

سوم: صراط مستقیم

ده ساله شده است. نوجوانی را با تجربه های ناب پشت سر می گذارد. آن یک ماه که محمد^(ص) به غار حرا پناه می برد تا به عبادت خدا مشغول باشد. همراه او می رود، مثل بچه ای که به دنبال مادر خود است. در شب و روزهای عایدانه محمد^(ص) فقیری نزد امین مکه می آید و از او غذا طلب می کند. علی^(ع) شاهد است که او از حال مردم غافل نیست. طواف کعبه برای او همان اندازه اهمیت دارد که رسیدگی به فقرای شهر. در یکی از عایدانه های محمد^(ص)، نوای «اقرأ باسم ربک الذی خلق» آسمان را به زمین پیوند می دهد. علی^(ع) که شاهد این رویداد است، اولین مؤمن به نبوت محمد^(ص) می شود.

دو ساله شده است. نو جوانی با تجربه های ناب پشت سر می گذارد. آن یکی ماه که محمد (ع) به غار حرا پناه می برد تا از عبادت خدای مشغول باشد، همراه او می رود، مثل چکه که به دنبال مادر خود است. در شب و روزهای عبادانه باشد، نقیصه نیندیشد، می آید و از او عذرا

همی می کند. علی (ع) شاهد است که او از حال مردم غافل نیست، طواف کعبه برای او همان اندازه اهمیت دارد که رسیدگی به فقرا شهر در یکی از عبادانه های محمد (ع). نوای «أقرأ باسم ربك

الذي خلق» آسمان را به زمین پیوند می دهد. علی (ع) که شاهد این رویداد است، اولین مؤمن به نبوت محمد (ع) می شود.

علی^(ع) و مسلمانان و مؤمنان و رسالت نبوی، در همه سال‌های سخت دعوت مردم مکه به آیین پیغمبری، محمدی، افرادی پیامبر^(ص) است؛ از شکنجه و شکنجانش و آزاداندیشان گرفته تا سلاهای سخت، محاصره قهصره ای که در شعب ابی طالب^(ص) پدرش به او پسران خود توصیه کرده بود در همه حال حافظ جان محمد^(ص) باشند. علی^(ع) که در میهمانی قریش، جانشین نبی معرفی شده، پیش از آن نیز مؤمنی جان فدا بود. امین محمد^(ص) در خالکی که جوانی بیست و سه ساله است، در لبه‌ی العیت^(ص) در بستر پیامبری می‌خوابد تا رسول^(ص) همراه صحابی خود عازم مدینه شود و از تورو مشرکان مکه دور بماند.

سال‌های اول هجرت است. علی^(ع) دوران جوانی را گذراند و هنوز ازدواج نکرده است. فاطمه^(ص) دختر دردها پیامبر^(ص)، خواستگار بسیاری دارد که با در بسته مواجه شده‌اند. همان‌گونه که سرپرستی از علی^(ع)، خواست خدا برای محمد^(ص) است. ازدواج فاطمه^(ص) و علی^(ع) نیز خواست خداست. عقد ازدواج آن دو پیش از زمین، در آسمان بسته شده است. خطبه عقد را پیامبر^(ص) بر منبر مسجد مدینه قرائت می‌کند: انا... تعالی امرنی ازواج فاطمه من علی، تا بهترین خانه الهی برای سید جوانان بهشت و دختری چون زینب^(ص)، شکل گیرد. زندگی دختر پیامبر^(ص) و علی^(ع) به‌یادگویی آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد. علی^(ع) که یک‌تا میدان نبرد است، برای منزل هیثم جمع و خانه را تمیز می‌کند تا به فرموده می‌رسد خدمتکار خانه باشد.

فی صفات المؤمنین دلیلی
 قرن دوازدهم، ج ۷۸، ص ۳۶۵
 اصفهانی، قرن دوازدهم، ج ۲۳،
 «با حوائج»، بیوند و ارتباط ناگ
 در جست و جوی تأمین حوائج
 رجابرای برطرف ساختن احتی
 زنده است و همه نیازها در ام

یادداشت

حجت الاسلام استاد دانشگاه

بهترین نعمت و عطای الهی چیست؟ پاسخ این پرسش در احادیث معصومان^(ع) نهفته است.

ابو جعفر محمد بن علی، امام حواد^(ع) فرموده اند «الْوَجُوحُ تَطْلُبُ الرِّجَاءَ وَ رَحْمَتُهُ الْقَضَاءُ وَالْعَافِيَةُ أَسْطَى الْعَصَا»؛ هر حدیثی که بخواهی با امید، طلب و خواسته می شود و با قضا و قدر مطابق قضای الهی برآورده می شود و فردی می آید و عافیّت و نیکوترین دعاى الهی است.»

و تنبيه الخاطر حلوانى قرن پنجم، ص ۱۳۶ * الدر النظيم فى مناقب الأئمه اللهايم شامى قرن هفتم، ص ۷۱۶ * اعلام الدين

هوب و عده‌ای اسطوره فرهنگ و تمدن یک جمع، اما عده محدودی پیدایمی شوند که مرزهای تبادل می‌شوند. نمونه عینی و ملموس این پدیده بی‌تغییر تاریخ انسانیت، علی‌بن ابی طالب^ع هم این سؤال پیش آمده باشد که چرا اندیشمندان غیرمسلمان چون جرج جرداق، آنتوان ماری دده و برای یافتن پاسخ، او را مشتاق می‌کند. در این نوشتار به مناسبت تولد تنها مولود علی^ع از بازخوانی کنیم.

سه سال از هجرت پیامبر (ص) به مدینه می‌گذرد. علی (ع) در اوج جوانی است. و در سال‌های هم‌نشینی با رسول (ص) از او زیست‌مفاهمه‌ا را آموخته‌است. جوان مؤمن با اخلاق‌هاش، که وجه دیگر نبوت دارد، و اقهرمان جوان‌نبرداست. شمشیر که به‌دست می‌گیرد، چه‌رزم‌آور و کور‌نشان می‌گردد. ماجرای جنگ احد، یک‌برگ سبزا از زندگی جهادی علی (ع) است. او زمانی که شکست سپاه محمد (ص) نزدیک است، به فرمان نبی، یک‌تنه به میدان می‌آید و سرنوشت امار را به پیروزی تغییر می‌دهد. جان پیامبر (ص) را از تر حفظ می‌کند تا برنده نوای آسمانی «لا سیف الاذواء والفقاو لا فتی الا علی» باشد.

(الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۵۴)

سده هفدهم و دویچه، (سال بعد از هجرت است پیامبر^ص) و اهل ایمان، راهی مراسم حج شده‌اند. این سفر اولین و آخرین حج تمتع رسول خدا^ص (بعد از هجرت است) اعمال عبادی که به پایان می‌رسد و وزارتان و آیین، احرام عازم یا خود می‌شوند. کاروان حاجان مدینه در منطقه‌ای که به نام جمعه نزدیکتری که به نام «غدیرخم» می‌ایستد. فرمان ایستار پیامبر^ص صادر کرده است. جمعیت «اهل انزلی» حاجیان به فرمان نبی ایستاده‌اند. مهمه می‌شود که چرا پیامبر ما را فرخواندند؟ است؟ پاسخ مردم از خدا یا «اهل اکمال» می‌دهد و آخرین فرستاده او، آخرین فرمان الهی را با بالا بردن دست علی^ع اجرا می‌کند.

پیامبر^(ص) از دنیا رفته است عده‌ای به دنبال تشکیل حکومت هستند و کرمان الهی و سفارش نبوی را طرد دیگری تفسیر کرده‌اند. مزامنه علی^(ع) و فاطمه^(ع) حفظ ستاورد حج آخر نبی نتیجه است. قوام جامعه در خطر است. مزامنه حمله دشمن، از بلا دگر به گوش می‌رسد. علی^(ع) برای حفظ امت و قوام جامعه نبوی، راه دیگری در پیش می‌گیرد، همان راهی که پیامبر^(ص) برای حفظ امت و ایجاد یکپارچگی بین انصار و مهاجر ترسیم کرد. علی^(ع) فقط وصی نبی برای خلافت و حکومت نیست، او جانشین رسول^(ص)... برای حفظ امت و دین خدا نیز هست. «مؤمنان «وحدت» را بر هر امری ترجیح می‌دهد. کنار گود می‌ایستاد، اما ستون خیمه امت اسلام می‌ماند.

(گفت‌وگو نگارنده با علامه سید محمد تقی عاملی^(ص))

مردم به خانه علی^(ع) هجوم آوردند، اما این بار برای سپردن زمام خلافت به او علی^(ع) با کاره حاکم امتی را می‌شود که روزگاری وزیر او را داشتن حاکمی چون او مجروح کرده بودند. علی^(ع) حکومت را براسا امتز اغاز می‌کند که حسرت شیراز همه تاریخ می‌تواند آنرا به یاد آورد. حکومتی مزده از استبداد، استعمار و سرچشمه جوشان عدالت. حکومت علوی، تجلی حکومت انسانی و معرف روح عدالت و مساوات اسلامی است. علی^(ع) آیین تمام‌نمای نظام و عدالت اسلام است. او در مقام حاکم مانند برادری مهتران و خادمی دلسوز و امین است و به شمار می‌آید. زمانی که زمام امور را در دست می‌گیرد، الگوی تکمیل انسان و اجرای عدالت می‌شود.

دوم: صدای عدالت انسانی

مفهوم عدالت در سیره و کلام علی^(ع) از رازروایتگر صدای عدالت خواه و باید بشنویم: او که علی^(ع) صدای عدالت انسانی می نامد. آیا در قلمرو عدالت، بزرگ مردی را می شناسی که اگر همه ساکنان زمین علیهش باشند، او همچنان بر حق پای فشارد؟ عدالت چون خونی در رگ ها و روحی در وجود اوست. در نگاه تاریخ و حقیقت تفاوتی نمی کند که تو این مرد بزرگ را بشناسی یا نشناسی او چون حقیقت و تاریخ گواهی می دهند که وجدان شرف، علی^(ع)، فریاد عدالت، انسانیت و شخصیت جوادان شرف است. ای دنیا! چه می شد که همه توان خود را گرد می آوردی و در هر روزگاری، یک «علی» با آن قلب و زبان و امتیازاتش عنایت می کردی؟

مفهوم عدالت در سیره و کلام علی^(ع) را از راورنگر صدای عدالت‌خواه و آواید بشنویم. او که علی^(ع) را «مفهوم عدالت انسانی» می‌نامد. آیا در قلمرو عدالت، بزرگ مردی را می‌شناسی که اگر همه ساکنان زمین علیه‌اش باشند، او همچنان بر حق نی افتد؟ عدالت چرخ خونی در گردن هر کسی است که وجود اوست. در نگاه تاریخ و حقیقت، تفاوتی که بتوان این مرد چون پادشاهی یا پادشاهی را چون حقیقت و تاریخ گواهی می‌دهند که وجدان شرف «علی^(ع)». فریاد عدالت، انسانیت و شخصیت جوادان شرق است. ای دنیا، چه می‌شد که همه توان خود را گرد می‌آوردی و در هر روزگاری، یک «علی^(ع)» با آن قلب و زبان و اعتباراتش عنایت می‌کردی؟

(الامام علی صوت العدالة الانسانية، جرج جرداق)

بیان شده است. بی تردید مادر حوائج که با وجود آن حاجت‌های دیگر قابل طرح است، عافیت و سلامتی است.

امام جواد^(ع) فرموده‌اند: «الغایبه احسن العطاء، عافیت، نیکوترین و عزیزترین و برگزیده‌ترین و فکشتن‌ترین عطا‌ی الهی است.»
«عطا» به معنای چیزی است که به کسی بخشیده می‌شود و آنچه می‌دهند. بهترین دهش و بخشش الهی، عافیت است. «عافیت» به معنای تندرستی و صحت و سلامتی کامل و پاک بودن از بیماری‌هاست.

کلمه «حسین» اسم تفضیل است و «زین» را می‌رساند. بنابراین، عافیت نیکوترین عطای الهی است. عافیت بالاترین نعمت است. عافیت بالاترین حفاظت را می‌طلبد.

باید از این نعمت، حفاظت و پاسداری کرد. باید قدر نعمت سلامتی را دانست و حق نعمت سلامتی را داد کرد و شکر آن را به جا آورد.

امام جعفر صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «نعمت خفیه اذا وجدت تسبیح و اذا فقدت کثیر»؛ نعمت پنهانی است، هرگاه وجود داشته باشد، فراوانش شود و هرگاه از بین برود، به یاد می‌آید.

(من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۶ و ص ۵۷۵) امامی شیخ صدوق (ص ۲۲۹، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۷۲). مومن باید زمانی که از نعمت سلامتی برخوردار است، از آن در راه اطاعت خداوند و انجام عمل صالح بهره‌برد و سلامتی را فراموش نکند و شرایط و لوازم پایداری سلامتی را شناسایی و جاری کند.

فی صفات المؤمنین دلیلی. قرن نهم، ص ۳۰۹. بحار الأنوار، قرن دوازدهم، ج ۷۸، ص ۳۶۵. عوالم العلوم و المعارف بحرانى اصفهانى، قرن دوازدهم، ج ۲۳، (۱۲۹۹)، زندگى اجتماعى انسان ها بحار حوائج، پیوند ارتباط و تأسست دارد. انسان ها با امیدوارى در جست و جوى تأمین حوائج خوش گام بر مى دارند، بنابراین، رجا براى برطرف ساختن احتیاجات، ضرورت دارد. انسان با امید زنده است و همه نیازها در امید جای می گیرد. رجا و امیدوارى در انسان ها دارد. از ملزومات رجا، سعی و کوشش هماهنگ و مناسب با سطح و تنوع حوائج است. حرکت و تلاش و اقدام در جهت رفع نیازها، معلول «رجا» است. اما قضا و قدر الهی بر سراسر عالم هستی حاکم است و تمام زندگانی انسان ها را فرا گرفته است. برآورده شدن حاجت و رسیدن به امیدها و فرود آمدن نعمت های الهی، در گرو قضا و قدر الهی است.

قضا و قدر الهی نیز باتلاش و مجاهدت و سعی و کوشش و حرکت انسان‌ها در راه وصول به هدف‌ها، ربط اساسی دارد. نظام علت و معلول بر جهان جاری است. خدای سبحان، حوائج انسان‌ها را با رجاء و امید آنان می‌خواهد. رجاء، عامل حرکت و نشاط در کارهای معنوی است. حوائج انسان، «رجاء» و «قضاء الهی». مطابق با هم ارتباط دارند و همه به تلاش و کوشش انسان بستگی دارد. ادامه حدیث، ارزش حاجت بزرگ همه انسان‌ها که «عافیت» است.